

دستیابی به اهداف اقتصادی و سیاسی ضروری است به اروپا نزدیک شود؛ چراکه سیاست‌های آمریکا اعمال فشار بیشتر و انزوای ایران بوده است (Jathol et al, 2017: 98). هرچند که این جریان در حوزه سیاست خارجی به دنبال تنش‌زدایی بود، ولی آنها اندیشه و استراتژی روشنی در حوزه توسعه اقتصادی و منطق تولید نداشته‌اند.

اصلاح‌طلبان بیشتر به جنبه‌های صوری و سیاسی دموکراسی و توسعه توجه داشتند. آنها قانون، آزادی و مساوات را مورد توجه قرار دادند و به شکل مستقیم به دنبال تغییر ساختارهای اقتصادی - اجتماعی نبودند (موثقی، ۱۳۸۵: ۳۴۶). در این برهه زمانی به کار، تولید و اشتغال، صنعتی شدن، بخش خصوصی، قطع وابستگی به نفت و انباشت سرمایه توجه چندانی نشد (موثقی، ۱۳۹۲: ۳۰). بدین ترتیب در این برهه زمانی سیاست خارجی ایران از جنبه اقتصادمحور خارج شد و توسعه سیاسی مبنای سیاست‌گذاری‌ها قرار گرفت (تاجیک و دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۲: ۷۴). در واقع این دولت نیز نتوانست، بسترهای داخلی و بین‌المللی مناسبی را برای توسعه فراهم کند؛ چه بسا، رویکرد دولت اصلاحات مبتنی بر توسعه و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی منسجم نبوده است.

۲-۳. دولت اصول‌گرا

شعارهای مربوط به مبارزه با فقر و فساد، نابرابری، تبعیض و رانت‌خواری و همچنین برقراری عدالت اجتماعی در انتخابات سال ۱۳۸۴، نشان از این داشت که نبود استراتژی مشخص در حوزه توسعه اقتصادی و اجتماعی در دولت‌های قبلی، زمینه‌ساز به قدرت رسیدن احمدی‌نژاد بوده است. این دولت در داخل به رویکرد توزیعی و در خارج بر رسالت‌هایی همچون حمایت از مظلوم و مبارزه با سلطه و استبداد تأکید داشت (دهقانی فیروزآبادی و رادفر، ۱۳۸۸: ۱۴۱). جهت‌گیری‌های سیاست خارجی ج.ا.ایران در این دوره که مبتنی بر انتقاد از نظام بین‌المللی و افسانه خواندن «هولوکاست» بود، باعث شد که حساسیت‌های بین‌المللی نسبت به ایران افزوده شود (Yegin, 2014: 4). سیاست خارجی این دوره از رویکرد عمل‌گرایی دوره خاتمی و هاشمی به سیاست خارجی مبتنی بر خصومت و